

سبک رفتار



همه چیز درباره گناهی که این روزها قبح آن ریخته است

یک بشقاب گوشت برادر مرده!

■ ندا طباطبائی اصفهانی *

حتماً همه ما کوچه‌های تنگ و باریک قدیمی، خانه‌ها و زن‌های همسایه را در حال اختلاط با هم خوب به خاطر داریم. یادم می‌آید در کودکی برخی زن‌های همسایه صبح که از خواب بیدار می‌شدند هزار گاهی دم در خانه یک نفر جمع می‌شدند و گاهی تا ظهر به صحبت با هم می‌پرداختند. بحث را از سردی و گرمی هوا شروع و یادی از دردهای جسمی و روحی خود می‌کردند و دبری نمی‌پایید که بحث شیرین غیبت و بدگویی محفل ایشان را از صدق و صفا بیرون می‌آورد. بحث را از اکبر، پسر اشرف خانم که فلان روز با زنش چنین بر خوردی داشته یا شاید از لباس شمسای خانم در فلان مجلس که اصلا به او نمی‌آمده یا ایراد از کیفیت یا کمیت غذایی که در شب عروسی دختر مریم خانم زن همسایه پشتی بین مهمان‌ها پخش شد، شروع می‌کردند تا حرف از اخلاق بد عارفه خانم که همان لحظه از جلوی چشمان همه با سلام و احوالپرسی به راه خود ادامه داده و نایستاده با ایشان به صحبت...!

چرا می‌گویم غیبت کردن همچون خوردن گوشت برادر مرده‌است؟

غیبت، این واژه نام‌آشنای مضموم در معارف دینی به علل مختلف مورد نهی واقع شده است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «اگر غیبت‌کننده توبه کند آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود و اگر توبه نکند اولین کسی است که وارد جهنم می‌شود.»

پیشوای هشتم شیعیان در مدح فردی که از غیبت جلوگیری می‌کند، می‌فرماید: «هر کس مانع ریختن آبروی مسلمانی شود در قیامت خداوند از لغزش‌هایش چشم‌پوشی می‌کند.» سخن دیگر از پیامبر (ص) آنکه: «هر کس غیبت‌زن و مرد کند تا ۳۰ روز نماز و روزه‌اش پذیرفته نمی‌شود و در قیامت وقتی نامه اعمال به دست افرادی داده می‌شود عده‌ای می‌گویند چرا کارهای خوب ما ثبت نشده‌است و خداوند می‌فرماید: خداوند هیچ چیز را کم یا فراموش نمی‌کند و بعضی از افراد در نامه عمل خود اعمال خوب می‌بینند که گمان می‌کنند نامه اعمال آنها نیست و به آنها گفته می‌شود به واسطه غیبت شدن از شما این نیکی‌ها به شما داده شده‌است، اما سوألی که پس از خواندن این حدیث ذهن ما را به خود متغول می‌کند این است که آیا عادلانه است کیفری یک لحظه غیبت باعث نابودی چندین سال عبادت شود؟ پاسخ واضح است. حساب دو دو تا چهار تا است، همانگونه که آبروی مؤمن که سال‌ها به دست او را از غیبت کردن از وی می‌ریزیم، بدهیی است حکمت و عدل خداوند ایجاب کند که در عوض این کار عبادات ما را از بین ببرد! حتماً در باب مضموم بودن ربا زیاد شنیده‌اید تا جایی که در روایتی هر درم ربا برابر با ۳۶ بار زنا دانسته شده‌است و بدتر آنکه بزرگ‌ترین ربا از غیبت که همان معامله با آبروی مؤمن است ذکر کرده‌اند و این نهایت انزجار دین از این عمل قبیح را می‌رساند.

احادیث در این باب بسیارند و مجال نوشتن کم. همه ما حتماً آیه معروف «و لا یفتخ بعضهم بعضاً ایحبا احدکم ان یاکل لحم الآخر میتا فکرموتوه» (۱۲ حجرات) را زیاد شنیده‌ایم و می‌دانیم که غیبت کردن طبق این آیه به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه شده است، اما تاکنون از خود علت چنین تشبیه عجیبی را پرسیده‌ایم؟ در پاسخ باید گفت علل مختلفی در واکاوی این تشبیه دخیل هستند. از آن جمله اینکه اگر از بدن انسان زنده چیزی کنده شود جایش گوشت می‌رود، اما اگر از بدن انسان مرده چیزی کنده شود جایش گوشت نمی‌رود و غیبت بردن آبروی مؤمن است که دیگر برگردانده نمی‌شود. اما علت دیگر آنکه فرد زنده وقتی حرفی از او زده می‌شود، می‌تواند از خودش دفاع کند ولی فردی که مرده است نمی‌تواند از خودش دفاع کند، چراکه در محل حضور ندارد. تا از خود دفاع کند و اینجاست که می‌شود به حکمت چنین تشبیهی از سوی خداوند حکیم پی برد.

در دین موارد زیادی داریم که دو طرف

گناهکار محسوب می‌شوند مانند رباگیرنده و ربادهنده. یکی از مواردی که دو طرف عصیان‌کار محسوب می‌شوند همین بحث غیبت است که نه تنها فرد غیبت‌کننده عصیانگر دانسته می‌شود، بلکه حتی شنونده غیبت هم اگر به وظایف خود عمل نکند گناهکار خواهد بود

در دین موارد زیادی داریم که دو طرف

گناهکار محسوب می‌شوند مانند رباگیرنده و ربادهنده. یکی از مواردی که دو طرف عصیان‌کار محسوب می‌شوند همین بحث غیبت است که نه تنها فرد غیبت‌کننده عصیانگر دانسته می‌شود، بلکه حتی شنونده غیبت هم اگر به وظایف خود عمل نکند گناهکار خواهد بود

در دین موارد زیادی داریم که دو طرف

گناهکار محسوب می‌شوند مانند رباگیرنده و ربادهنده. یکی از مواردی که دو طرف عصیان‌کار محسوب می‌شوند همین بحث غیبت است که نه تنها فرد غیبت‌کننده عصیانگر دانسته می‌شود، بلکه حتی شنونده غیبت هم اگر به وظایف خود عمل نکند گناهکار خواهد بود

در دین موارد زیادی داریم که دو طرف

گناهکار محسوب می‌شوند مانند رباگیرنده و ربادهنده. یکی از مواردی که دو طرف عصیان‌کار محسوب می‌شوند همین بحث غیبت است که نه تنها فرد غیبت‌کننده عصیانگر دانسته می‌شود، بلکه حتی شنونده غیبت هم اگر به وظایف خود عمل نکند گناهکار خواهد بود

این بحث‌ها گاهی جنبه سیاسی پیدا می‌کرد و خانم‌های تحلیلگر به موشکافی اعمال و رفتار فلان مسئول مملکت می‌پرداختند و خلاصه هیچ فرد غایبی از این بدگویی‌ها جان سالم به در نمی‌برد. بدگویی‌هایی که گرچه در برخی موارد درست بود، ولی چون پشت سر طرف بود و اگر او بود از آن حرف ناراحت می‌شد، تبدیل به فتنه و کینه می‌شد. خلاصه حرف‌ها زده می‌شد و خداحافظی می‌کردند تا روز دیگر و بحث شیرین دیگر.

امروزه گرچه دیگر کاستی اهل رفت و آمد نیست و گرچه همسایه‌ها شاید سال‌هاست که همسایه‌اند، ولی فامیلی یکدیگر را هم نمی‌دانند، با این وجود همواره بحث شیرین غیبت نقل هر مجلس است! آن هم نه در فضای خانه و کوچه بلکه در فضای مجازی و با ورود گروه‌های چت فامیلی در واتس‌آپ و تلگرام و... نه تنها این بحث‌ها خاتمه نمی‌یابد، بلکه اگر قبل ترها مردم فقط یکی دو ساعت دم در خانه‌ها به این بحث‌ها می‌پرداختند، حالا دیگر وقت و ساعت، معنا و جایگاهی ندارد. از صبح تا شب

پیامبر اعظم در این مورد خاص می‌فرماید: «کسی که غیبت را می‌شنود دو حالت دارد یا سخن گوینده را رد می‌کند یا سکوت می‌کند و گوش فرآ می‌دهد که اگر سخن او را رد کند هزار باب شر در دنیا و آخرت بر او بسته می‌شود و اگر بتواند به دفاع از او بپردازد، ولی یاری نکرده و سکوت کند گناه گوینده نیز برای او ثبت می‌شود و در دو دنیا ذلیل و خار خواهد شد.»

چگونه می‌توانیم غیبت کردمان را جبران کنیم؟

آیا غیبت کردن را می‌شود جبران کرد؟ در واقع این‌کاری است بس دشوار، به‌طوری‌که انسان با خود می‌گوید ای کاش همان اول چنین خطی نمی‌کردم، روال امر اینگونه است که باید در ابتدا دو حالت را در نظر گرفت، اول آنکه فرد زنده باشد یا نباشد، اگر فرد زنده نباشد چون در این حالت به او دسترسی نداریم تنها کاری که می‌شود جبران غیبت ما از او شود، طلب مغفرت برای ارمش روح آن فرد است، اما اگر فرد در قید حیات باشد باز دو حالت متصور است، اول آنکه می‌دانیم اگر به او گفته شود پشت سرش چنین چیزی گفته شده است ناراحت نمی‌شود که در این حالت ابتدا بین خود و خدا توبه می‌کنیم سپس از او حلیت طلبیده و رضایت او را جلب می‌کنیم، اما در حالت دوم می‌دانیم اگر فرد بفهمد چه چیزی درباره او گفته‌ایم ناراحت می‌شود- که اکثر موارد هم به این مورد ختم می‌شود- و اینجاست که جبران غیبت کار دشواری خواهد بود، چون حق نداریم به او بگوییم چه حرفی پشت سر او زده‌ایم و باید ابتدا بین خود و خدا توبه کنیم و سپس در همان جمعی که بدگویی او را کرده‌ایم به ذکر خیر او بپردازیم و تحقیر و آبروبریزی را که برای او ایجاد کرده‌ایم جبران کنیم و این خود بزرگ‌ترین تنبیه برای غیبت‌کننده است، چراکه در واقع بااین کار خود را خوار و ذلیل و آنچه خود گفته بود را انکذب می‌کند و این کار در جمع بسیار طاقت‌فرساست.

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

د

در دین موارد زیادی داریم که دو طرف گناهکار محسوب می‌شوند مانند رباگیرنده و ربادهنده. یکی از مواردی که دو طرف عصیان‌کار محسوب می‌شوند همین بحث غیبت است که نه تنها فرد غیبت‌کننده عصیانگر دانسته می‌شود، بلکه حتی شنونده غیبت هم اگر به وظایف خود عمل نکند گناهکار خواهد بود

در دین موارد زیادی داریم که دو طرف

گناهکار محسوب می‌شوند مانند رباگیرنده و ربادهنده. یکی از مواردی که دو طرف عصیان‌کار محسوب می‌شوند همین بحث غیبت است که نه تنها فرد غیبت‌کننده عصیانگر دانسته می‌شود، بلکه حتی شنونده غیبت هم اگر به وظایف خود عمل نکند گناهکار خواهد بود

و از شب تا صبح محال است در محاورات افراد از بدگویی از فرد غایب خبری نباشد.

شاید شکل این عمل زشت تغییر کرده، ولی ماهیت آن به قوت خود باقی مانده و حتی تقویت هم شده است. دوستان و اقوام در چت روم‌ها، ساعت‌ها به بحث و گفت‌وگو می‌نشینند و از مسائل اعتقادی گرفته تا سیاسی و... با یکدیگر به بحث و گاهی جدل می‌پردازند و در این میان هر کدام برای اثبات حرف خود حاضر به تخریب افراد بسیاری می‌شود که گاهی این دیگر نه تنها غیبت، بلکه تهمت خواهد بود.

اما غیبت در چه حالت اتفاق می‌افتد؟ اول آنکه حرفی در باره کسی زده شود که خود فرد در آن محل حضور نداشته باشد، دوم اینکه مردم از آن بی‌خبر باشند و در مرحله سوم اگر طرف این سخن را بشنود، ناراحت شود. با این مقدمه طولانی مطمئناً موضوع بحث ما نیز روشن شد. اینک به بررسی این لغت کوتاه و در عمل ویرانگر می‌پردازیم.

چه وقت‌هایی غیبت مجاز می‌شود؟

جالب اینجاست که قبح این فعل قبیح در مواردی از آن برداشته شده و در مواردی غیبت محسوب نمی‌شود که به اختصار آنها را بیان می‌کنیم.

اولین مورد، هنگام مشورت در کارهای مهم

مثل ازدواج، گزینش و احراز مسئولیت است که حتی باید عیوب فرد را برای شخصی که برای مشورت آمده‌است، ذکر کنیم و ملاک آن می‌دانیم معنات است باید بگوییم، چراکه قرار ندهیم بحث آینده و زندگی انسان را مطرح است یا اینکه اگر اطلاعات درستی در اختیار فرد مشورت‌گیرنده قرار نگیرد، فعلاً دارانم حرفشو می‌زنیم. ممکن است مالی از بیت‌المال پایمال شود.

مورد مجاز دیگر آن که برای رد سخن و عقیده باطل برخی اشخاص، نقل سخن و عیوب ایشان جایز است، چراکه از اطلاع از باطل بودن سخن وی، دیگر کسی به پیروی از آن بر نمی‌خیزد. سوسمین مورد مجاز برای گواهی دادن و شهادت پیش قاضی است که مانعی ندارد از فردی که به عنوان شاهد در آن مکان حاضر شده است حرفی در بدگویی فرد موردنظر زده شود البته در صورتی که فرد واقعاً خاطی و دارای آن خصلت بد باشد. چهارمین مجوز، در جایی است که برای اثبات مظلومیت و ظلم ظالم از ظالم بدگویی شود و پنجم آنکه اگر کسی بدون حیا و آشکارا گناه کند، مانعی در توصیف کار حرام او و بدگویی از عمل وی وجود ندارد و آخر آنکه اگر فردی ادعای پوچی دارد یا خود را دکتر یا مهندس یا مجتهد و... می‌داند، در حالی که هیچ کدام از این القاب به او نمی‌جسید باید از این دروغ او برده‌برداری شود تا مردم فریب او را نخورند.

چگونه از ترویج غیبت جلوگیری کنیم؟

نتیجه گیری برای پیشگیری از این بیماری روحی در ابتدا باید زمینه‌های غیبت را مسدود کنیم. نکته قابل ذکر اینکه سوظن یکی از موارد زمینه‌ساز غیبت است. اگر ماهه همه حسن ظن داشته باشیم و هر رفتاری از

ایشان را در درون خود تفسیر و تأویل نکنیم گام بزرگی در جهت جلوگیری از این گناه کبیره بر خواهیم داشت. بزرگی می‌گفت: اگر همیشه کسانی که در اطراف شما هستند را یکی از ۱۴ معصوم تصور کنید و آنها را تا زمانی که هیچ عمل خلاف شرع و عرفی از آنها ندیده‌اید به رفتار با صفتی منسوب نکنید هیچ‌گاه گناهانی مانند غیبت از شما سر نخواهد زد.

دوم آنکه هیچ‌گاه در کار کسی تجسس نکنیم، چراکه این کار در مرحله بعد باعث غیبت خواهد شد. پس بهتر است در ابتدا از این دووری گزینیم. همه گناهان، ظاهری شیرین و زیبا دارند، ولی در باطن جز خبایات و زشتی چیزی به همراه نخواهند داشت و در این میان غیبت یکی از زشت‌ترین گناهان است، در حالی که گوینده برای تخلیه روانی خود با کیف و لذت آن را شیرین تصور و روح پاک و بی‌الایش را به این سیاهی محض آلوده می‌کند. عملی سیاه و خبیث که دار حکیم آن را به خوردن گوشت برادر مرده متال می‌زند. شاید بشود علت دیگر این تشبیه را این دانست که خداوند بارها و بارها مؤمنان را برادران دینی یکدیگر معرفی می‌کند و غیبت از برادر دینی فرقی با غیبت از برادر نسبی ندارد.

کارشناس الهیات

نگاه



عمری که با بدگویی پشت سر دیگران می‌سوزد

بساط غیبت را ترک کردم و نفس راحتی کشیدم

■ حامد جمالی

بعد از افطار در اتاقم در خوابگاه دراز کشیده بودم و می‌خوابتم قبل از شروع درس، کمی استراحت کنم. همینطور سقف خوابگاه را نگاه می‌کردم و در ذهنم لکه‌های سقف را می‌شمردم. علیرضا هم خوابگاهی‌ام داشت با موبایلش ور می‌رفت، در همین حین یکی از همکلاسی‌ها یمان به اسم سعید با یک جعبه نیم‌کیلویی شیرینی وارد شد. نشستیم و احوالپرسی کردیم و پرسید: «چایی دارید؟» گفتم: «نه ولی الان دم می‌کنم.» چایی را حاضر کردم. گفتم: «چرا زحمت کشیدی این شیرینی جیه؟» علیرضا گفت: «مگه نمیدونی؟ شاگرد اول شده.» بعد شروع کرد به صحبت کردن درباره نمرات ترم گذشته‌ام. نمره‌هایم را پرسید. من هم جواب دادم. علیرضا بحث را به نمرات یکی از بچه‌ها که در میان ما نبود کشید و... بساط غیبت شروع شد.

شده است. زندگی‌هایمان با ریختن آبروی این

و آن می‌گذرد. این روزها به شدت درگیر غیبت شده‌ایم. یادم نمی‌رود یکی از همسایه‌هایمان را. به او گفتم: غیبت نکن. اعمال نیکت از بین می‌رود. گفتم: به خدا نمی‌توانم. اگر پشت سر کسی صحبت نکنیم، حالم بد می‌شود و انگار یک چیزی در زندگی کم دارم!

بی‌شک غیبت نوعی ظلم است، چون کسی که آبروی برادرش را می‌ریزد و جلوی دیگران عیب‌هایش را بازگو می‌کند، در واقع سستی بر او وارد کرده است و چون شخص نیست که از خودش دفاع کند، این ظلم بزرگ‌تر خواهد شد. تأثیری که گناه غیبت در زندگی آدمی می‌گذارد، اثراتش به مراتب از چاقویی که گوشت را می‌برد، بدتره و میشه تهمت.»

سعید گفت: «مگه دروغ می‌گم؟ همه میدونن مهدی کندزهنه و هیچ دروغی نمی‌نست.» علیرضا هم گفت: «راست میگه ما که دروغ ننگفتم. حقیقت رو گفتم. اینکه غیبت‌نست.» گفتم: «ببینید دوستان! غیبت یعنی همین. یعنی حقیقت رو گفتن. یعنی آنچه در مورد دوست‌و واقعبت رو دروغ پشت سرش بگی به مراتب بدتره و میشه تهمت.»

سعید گفت: «ای بابا دو دقیقه اومدیم با هم جای بخوریم! حالمونو نگیر دیگه! باشه ببینمش ازش می‌کنند یا بر خرفتم؟ قطعاً این امر موجب جدایی زن و شوهر می‌شود. رضا از دوستان نزدیک من است که متأسفانه مدتی است از همسرش جدا شده‌است. او می‌گوید: خانم پیش پدر و مادرش از حرف‌ها و رفتارهای من می‌گفت و از من خواسته یا ناخواسته نزد پدر، مادر و خواهرش غیبت می‌کرد و من از این قضیه بی‌خبر بودم. تا اینکه در کل فامیل پخش شده بود و مشکلات را مقصر می‌دانستند. من هم نبودم که از خودم دفاع کنم. پس این اختلافات شدت گرفت و نهایتاً منجر به جدایی ما از هم شد.

این یک نمونه از خورا‌های تفرقه‌افکنی بین خانواده‌ها توسط بدگویی است. آیا بدگویی کردن ارزش این را دارد که کانون خانواده‌مان را به هم بریزیم؟ قدرتر از برادرها هستند که سال‌هاست با هم صحبت کرده‌اند. وقتی ریشه قضیه را می‌نگری، خواهی یافت که این مسئله از بدگویی و غیبت یکدیگر آغاز شده است. روایتی هست که غیبت را برابر با کفر و شنیدن و راضی بودن به آن را شرک می‌داند. نکته جالب توجه دیگر آن که چنانچه همه ما می‌دانیم روز قیامت هر کدام از اعضای بدن ما مورد بازخواست قرار می‌گیرند؛ چشم و گوش و دل و دیگر اعضای بدن! لذا این اعضا به ما تعلق ندارد که بخواهیم از آنها استفاده غیر مجاز کنیم، بلکه اینها تنها ابزاری هستند برای رسیدن ما به این هدف نهایی خلقت و در این میان وظیفه گوش نشنیدن غیبت و وظیفه زبان دفاع از فرد غایب است. بیخود نیست که می‌گویند: بیشتر افرادی که جهنمی هستند به خاطر گناهان زبان است. توجه کنیم که این زبان چند گرمی ممکن است؟ عمر ابدی انسان را در سرای دیگر بسوزاند. به قول ابی‌انسه علوی گر گانگی حفظه‌الله‌ای کاش زبان باز نمی‌شد و اگر هم باز می‌شد، لاقل به ذکر خداوند متعال باز می‌شد و اگر این کار را هم نمی‌کند، لاقل چیزی نمی‌گفت که باعث عذاب اخروی باشد. متأسفانه زبان‌ها باز و باعث سیاه شدن برهنه‌ها می‌شوند.

د

علامه طباطبائی به حجره یکی از شاگردانشان رفتند. بعد از احوالپرسی فرمودند: در ایسن مسکان غیبت شخصی شده؟ شاگردش عرض کر: بلسه! چند لحظه پیش از پای شما یکی از طلبه‌ها غیبت شخصی کرد. علامه طباطبائی فرمودند: فوراً حصره‌ات را عوض کن. اینجا دیگر جای درس خواندن نیست